

www.konkur.in

وبسایت کنکور

دانلود انواع جزوات کنکور و ارشد

سوالات کنکور سراسری و آزاد داخل و خارج از کشور

سوالات کنکور ارشد همه رشته ها به همراه پاسخ

مصاحبه و کارنامه نمرات برتر کنکور

دانلود کتابهای درسی و دانشگاهی و حل المسائل ها

مشاوره تحصیلی کنکور و ارشد

سوالات پیام نور و المپیاد و آزمایشگاه ها

و خدماتی دیگر

۱۲ توصیه‌ی کلیدی + ۱۹۰ واژه‌ی دام‌دار زبان فارسی کنکور

تهیه و تنظیم: الهام مومدی

می‌توان از طریق تحلیل ساختمان واژه، تکواژ و واژه را تشخیص داد؛ بنابراین چنانچه بر ساختمان واژه مسلط شوید، در تشخیص واژه‌ها و تکواژها نیز سریع‌تر عمل خواهید کرد.

تعاریف

ساختمان واژه: ۱- ساده ۲- مرکب ۳- مشتق ۴- مشتق-مرکب

ساده: واژه‌ای که تنها از یک جزء معنادار ساخته شده است. **مثال:** کتاب، میز، گوسفند، دفتر، کاغذ و...

مرکب: واژه‌ای که از بیش از یک جزء معنادار تشکیل شده است. **مثال:** کتاب‌خانه، گلاب (گل + آب)، شاهنامه، روزنامه، کاردان و...

مشتق: واژه‌ای که از یک جزء معنادار و وند تشکیل شده است. **مثال:** همراه، دانشمند، دانش، چشمه، هفته و...

مشتق-مرکب: واژه‌ای که بیش از یک جزء معنادار و نیز از جزء بی‌معنی تشکیل شده است. **مثال:** اسم‌نویسی، فرمانروایی (ی ماقبل آخر «ی» میانجی و «ی» آخر وند است.)، دریاسالاری، سازماندهی (مان و ی وند است.)

آشنایی با ساختمان هر یک از این واژگان ما را در یافتن تکواژها راهنمایی می‌کند.

توجه: برای اشراف بیشتر بر این مبحث به درس ۲ (جمله)، درس‌های ۱۷، ۲۰ و ۲۱ (ساختمان واژه‌ی ۱، ۲ و ۳) مراجعه نمایید و ساختمان واژگان را با توجه به تمام مثال‌ها و نکات مربوط به آن‌ها بیاموزید و تکرار کنید.

۱۲ توصیه‌ی کلیدی برای پاسخ به تست‌های کنکور

۱- واج میانجی واژه را مشتق نمی‌سازد و تکواژ نیز محسوب نمی‌شود: نیاکان (ک واج میانجی است و تکواژ محسوب نمی‌شود).

۲- همه‌ی وندها - چه اشتقاقی چه تصریفی - یک تکواژ محسوب می‌شوند، اما واژه به حساب نمی‌آیند.

۳- وندهای تصریفی «نشانه‌های جمع، ی نکره، می (در فعل‌های ماضی استمراری و مضارع اخباری)، ب (در فعل‌های امر و مضارع التزامی)، ن منفی‌ساز، شناسه‌ها» واژه را مشتق نمی‌سازند.

۴- نقش‌نمای اضافه (-) یک واژه و یک تکواژ محسوب می‌شود.

۵- «همین و همان» واژه‌های ساده محسوب می‌شوند.

۶- در واژه‌های «برای» و «بدون» کسره متعلق به خود واژه است.

۷- در واژه‌های «تخت‌خواب و رخت‌خواب» مشتق - مرکب و سه تکواژ است. (کسره‌ی میان دو واژه وند است)

۸- تشخیص فعل نیز بسیار مهم است، این که فعل ساده، مرکب یا پیشوندی است: فعل‌های مرکب یک واژه محسوب می‌شوند.

الف) «... نتیجه‌ای کلی در مورد زندگی است که داستان آشکارا بیان کرده است.» **سراسری هنر ۸۹**

همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید فعل جمله «بیان کرده است» مرکب و یک واژه محسوب می‌شود.

ب) «... اندوه را تازه می‌گرداند.» **سراسری زبان ۹۰**

«می‌گرداند» فعل ساده و یک واژه محسوب می‌شود.

«... و دیگر پیامدهای ناگوار در کار خواهد بود.» **سراسری زبان ۸۸**

«خواهد بود» فعل ساده و یک واژه محسوب می‌شود.

۹- واژه‌های «تابستان، زمستان، دبستان، ساریان، خلیبان، شبان، زرخدان، ناودان، خاندان، سیاوش، سهراب، رستم، تهمینه، شیرین، دستگاه، استوار، بنگاه، پگاه، غنچه، پارچه، کلوچه، کوچه، مژه، دیوار، دیوانه، وادار و دشوار» ساده به حساب می‌آیند زیرا امروزه پیشینه‌ی باستانی زبان را در نظر **نمی‌گیرند**.

۱۰- «ی» اسنادی یک تکواژ و یک واژه است. **مثال: تویی (تو هستی)**

۱۱- شناسه‌های فعل چه موجود باشند چه محذوف یک تکواژ محسوب می‌شوند.

۱۲- دقت کنید «ی» نکره را با وند «ی» اشتباه نگیرید. «ی» نکره واژه را مشتق **نمی‌سازد**. (برای تشخیص به معنای واژه توجه کنید.)

مثال: نثر داستانی اکنون مهم‌ترین نوع ادبی اروپا و... است. (**سراسری زبان ۸۹**)

داستانی که جنبه‌های واقعی و تاریخی و اخلاقی آن به هم آمیخته است.

همان‌طور که ملاحظه می‌نمایید واژه‌ی «داستانی» در مثال اول مشتق است، چون در معنای منسوب به داستان به کار رفته و در جمله‌ی دوم نکره است، چون در معنای داستانی که - برای ما ناشناس - است به کار رفته است؛ بنابراین «ی» جمله‌ی اول وند اشتقاقی و «ی» جمله‌ی دوم وند تصریفی است.

• در جدول‌های آمده سافتمان برفی واژگان که ممکن است موجب به خطا افتادن

داوطلبان گردد، - با توجه به کنکور سراسری و کتاب (زبان فارسی ۳ - شرح داده شده

است. لازم به ذکر است جداسازی واژگان تا مرزهای تکواژ صورت گرفته است.

۱۸ واژه‌ی مرکب دام‌دار:

نام‌رسان ← نامه + رسان (نامه یک تکواژ است.)	تشبیه‌آفرین ← تشبیه + آفرین
سفرنامه ← سفر + نامه (نامه یک تکواژ است.)	راه‌نما ← راه + نما
نهان‌خانه ← نهان + خانه	راهبر ← راه + بر (بن فعل از مصدر بردن)
سرآغاز ← سر + آغاز	پیامبر ← پیام + بر (بن فعل از مصدر بردن)
سرداران ← سر + دار + ان (نشانه‌ی جمع وند تصریفی در ساختمان واژه نقشی ندارد.)	پیشرفت ← پیش + رفت
سرزمین ← سر + زمین	دستاورد ← دست + آورد
سرانجام ← سر + انجام	پیامد ← پی + آمد
کاردان ← کار + دان (بن مضارع از مصدر دانستن)	ستم‌پیشه ← ستم + پیشه
قلمرو ← قلم + رو	شهریار ← شهر + یار

۹۴ واژه‌ی مشتق دام‌دار:

الهی ← ال‌ه + ی	بالرزش ← با + ارز + ش
بی‌عوض ← بی + عوض	برخورداری ← بر (وند) + خورد + ار (وند) + ی (وند)
جوانی ← جوان + ی	گوارا ← گوار (بن فعل) + ا (وند)
فکری ← فکر + ی	پژوهش ← پژوه + ش
ایرانیان ← ایران + ی + ان	پژوهشگر ← پژوه (بن مضارع) + ش (اشتقاقی) + گر (اشتقاقی)
ادبیات ← ادب + ی + ات	متأسفانه ← متأسف + انه
نشانه ← نشان + ه	بالنده ← بال + نده (وند)
نوشته ← نوشت + ه	نویسنده ← نویس + نده
نامحسوس ← نا + محسوس	فتنه‌گری ← فتنه + گر (اشتقاقی) + ی (اشتقاقی)
آشنایی ← آشنا + ی (یای اول واج میانجی است.)	یاغی‌گری ← یاغی + گری (حتما به صفحه‌ی ۱۴۷ درس ۲۰ مراجعه کنید.) منظور تفاوت فتنه‌گری و یاغی‌گری است
منظومه ← منظوم + ه	عاشقانه ← عاشق (صفت) + انه (اشتقاقی)
سروده ← سرود + ه (وند)	دانشور ← دان (بن فعل) + ش + ور
شاخه ← شاخ + ه	تشنگی ← تشنه + گی
گزارشگر ← گزار + ش + گر	بی‌هقی ← بی‌هق + ی (وند)
ساختمان ← ساخت + مان	توانا ← توان (بن فعل) + ا (وند)
گیرا ← گیر + ا	آموزش ← آموز + ش
گفتار ← گفت + ار	گسترش ← گستر + ش
اندیشه ← اندیش + ه	واقعیت ← واقع + یت
آفرینش ← آفرین + ش	سوگوار ← سوگ + وار
نامحرمان ← نا + محرم + ان (تصریفی)	ناگوار ← نا + گوار

صوفیان ← صوف + ی (وند) + ان (تصریفی)	پیدایی ← پیدا + یی
سرایندگان ← سرای (بن مضارع) + نده (وند) + گان (تصریفی)	بهره‌وری ← بهره + ور + ی
بی تفاوتی ← بی + تفاوت + ی (وند)	بی عاطفگی ← بی + عاطفه + گی
شتاب‌ناک ← شتاب + ناک	پراکندگی ← پراکند + ه + گی
سروده ← سرود + ه (وند)	تحمیدیه ← تحمید + یه
زمینه ← زمین + ه (اشتقاقی)	ستایش ← ستای + ش
فراگیری ← فرا (اشتقاقی) + گیر (بن مضارع) + ی (اشتقاقی)	نوشته ← نوشت + ه
داستانی ← داستان + ی	وابسته ← وا + بست + ه
اسلامی ← اسلام + ی	خواننده ← خوان + نده
زیبا ← زیب + ا	برخورد ← بر + خورد
رسا ← رس + ا (اشتقاقی)	بارور ← بار + ور
سنجش ← سنج + ش	ارزشمند ← ارز + ش + مند
باستانی ← باستان + ی (وند)	شنیداری ← شنید + ار + ی
دیداری ← دید (بن ماضی) + ار (اشتقاقی) + ی (اشتقاقی)	گویا ← گوی + ا (وند)
فرهنگی ← فرهنگ + ی	پیدایش ← پیدا + ش
حکیمانه ← حکیم + انه (اشتقاقی)	جغرافیا ← جغرافی + ا
شوخی ← شوخ + ی	دیدگاه ← دید + گاه
ماندگار ← ماند (بن فعل) + گار	آینده ← آی + نده
تخیلی ← تخیل + ی (اشتقاقی)	زرین ← زر + ین
صحنه ← صحن + ه (وند)	دارا ← دار (بن مضارع) + ا (اشتقاقی)
ظلمانی ← ظلم + انی	استعاری ← استعاره + ی
روزگار ← روز + گار (وند)	بینا ← بین + ا (وند)
شایستگان ← شایست + ه (اشتقاقی) + ا (تصریفی)	سامانی ← سامان + ی
زندگی ← زنده + گی (وند)	شکافتن ← شکافت + ن
افزایش ← افزای + ش	برومند ← بر + اومند
عامی ← عام + ی	بیمناک ← بیم + ناک
معنوی ← معنا + ی	ترکّیه ← ترک + یه

۷۷ واژه‌ی مشتق - مرکب دام‌دار:

مایه گذاشتن ← مایه + گذاشت + ن	ناخود آگاه ← نا (وند) + خود + آگاه
سلامت برانداز ← سلامت + بر (وند) + انداز	توده‌شناسی ← توده + شناس + ی
سبک‌شناسی ← سبک + شناس + ی (وند)	مردم‌شناسی ← مردم + شناس + ی
سخن‌سنجی ← سخن + سنج + ی (وند)	گشت و گذار ← گشت + و (وند) + گذار
دست‌اندر کاران ← دست + ندر + کار	تأمل بر انگیز ← تأمل + بر (وند) + انگیز
درس‌نخوانده ← درس + ن + خواند + ه	گون‌گون ← گون + ا + گون

سه گوشه ← سه + گوش + ه (وند)	دست یابی ← دست + یاب + ی
سرتاپا ← سر + تا (وند) + پا	کامیابی ← کام + یاب + ی
طرح ریزی ← طرح + ریز + ی	دل سوخته ← دل + سوخت + ه
بلند پایه ← بند + پای (واج میانجی + ه (وند)	امانت داری ← امانت + دار + ی
ارائه شده ← ارائه + شد + ه	زبر زنجیری ← زبر + زنجیر + ی (وند)
صیقل دادن ← صیقل + داد + ن	شفاف ساختن ← شفاف + ساخت + ن
جهان بینی ← جهان + بین + ی	تصویر نگاری ← تصویر + نگار + ی
باز آفرینی ← باز + آفرین + ی	دگر گونی ← دگر + گون + ی (وند)
پی در پی ← پی + در + پی	زمینه ساز ← زمین + ه + ساز
ناجوان مردی ← نا + جوان + مرد + ی	سر چشمه ← سر + چشم + ه
بهره یابی ← بهره + یاب + ی	گرد آوری ← گرد + آور + ی
سازماندهی ← ساز (بن مضارع) + مان (وند) + ده (بن مضارع) + ی (وند)	هر روزه ← هر + روز + ه (وند)
دانش نامه ← دان + ش + نامه	تأثیر پذیری ← تأثیر + پذیر + ی
لا به لا ← لا + به (اشتقاقی) + لا	قصه گوئی ← قصه + گو + ی (وند)
منعکس کننده ← منعکس + کن + نده	گفت و گو ← گفت + و (وند) + گو
دربر گیرنده ← در (وند) + بر (اسم) + گیر + نده	کند و کاو ← کند + و + کاو
خودشناسی ← خود + شناس + ی	تاخت و تاز ← تاخت + و + تاز
خرده گیری ← خرد + ده (وند) + گیر (بن فعل) + ی (وند)	خنده دار ← خند + ه + دار
دراز دستی ← دراز + دست + ی (دراز دست بودن)	سرافرازی ← سر + افراز + ی
سراسر ← سر + ا + سر	ریشه یابی ← ریش + ه + یاب + ی
گوشه نشینی ← گوش + ه + نشین + ی	درون بینی ← درون + بین + ی
عدالت پیشگی ← عدالت + پیشه + گی	پیش بینی ← پیش + بین + ی (وند)
عیب جوئی ← عیب + جو + ی (یای اول واج میانجی است.)	کشا کش ← کش + ا (وند) + کش
رو به رو ← رو + به + رو	گمراهی ← گم + راه + ی (وند)
آشنا ساختن ← آشنا + ساخت + ن	رنج دیده ← رنج + دید + ه
کنجکاو ی ← کنج + کاو + ی	نمایش دهنده ← نمای (بن مضارع) + ش + ده (بن مضارع) + نده
تکاپو ← تک + ا + پو	به گزینی ← به (صفت) + گزین (بن مضارع) + ی (وند)
ماهواره ← ماه + واره	ریشه دار ← ریش + ه + دار (بن فعل)
تخت خواب ← تخت + خواب	کشت و کشتار ← کشت + و (وند) + کشت + ار (وند)
آموزش و پرورش ← آموز + ش + و + پرور + ش	یک شبه ← یک + شب + ه (وند)
آینه بندان ← آینه + بند + ان (وند)	گیرودار ← گیر + و + دار
حقوق بگیر ← حقوق + ب + گیر	زبان نفهم ← زبان + ن + فهم
سرباز گیری ← سر + باز + گیر + ی	داد گستری ← داد + گستر + ی